



## خشونت در اسلام

ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی

لان بسطت الی یدک لتقتلی ما انا بیاسط یدی الیک لا تکتک  
انی اخاف الله رب العلمین

برای تربیت یک جامعه دو طریق می‌توان تصور کرد.  
۱- طریق جبر و اکراه، سخت‌گیری و اعمال خشونت  
۲- طریق ملایمت، نرمی، عطف و تساهل.

یکی از وجوه عمده تمایز انسان با سایر حیوانات، این است که زندگی انسان تابع نظم و مقررات خاص اجتماعی است. نظم و انضباطی که توأم با مسؤولیت است و تمام اقشار جامعه در مقابل یکدیگر مسؤولند. فرد در مقابل جامعه، جامعه در مقابل فرد، دولت در مقابل ملت و ملت در مقابل دولت مسؤول است. از آنجایی که تمام افراد و طبقات جامعه دارای یک بینش و یک منش نیستند، تخطی و تخلف از نظم و مقررات وضع شده، به وقوع خواهد پیوست. و هیچ جامعه‌ای از تخلف، قانون شکنی و عمل برخلاف مصالح عمومی آن، خالی نبوده و نخواهد بود. مقررات و نظم حاکم بر جامعه بشری، در تمام عصرها بر دو گونه بوده‌است. نظم و مقرراتی که خود انسانها وضع کرده و آن را به عنوان قانون در جامعه پذیرفته‌اند. و دیگری نظم و مقرراتی که پیامبران الهی از جانب خداوند متعال برای صلاح و رستگاری بشریت به ارمغان آورده‌اند. نحوه اجرای قانون و مقررات، امری است که هر دو گروه درباره آن با مشکلات و مقاومتهایی روبرو بوده‌اند. در این مقاله سعی خواهد شد نحوه اجرای قانون و مقررات توسط گروه دوم یعنی، پیامبران و چگونگی برخورد آنان با تخلفات صورت گرفته در جامعه، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

بدون تردید، پیامبران الهی معلمان و مربیان بزرگ جامعه بوده و تعلیم و تربیت آنان مبتنی بر اصول مسلم تعلیم و تربیت بوده است.

تمام عقلای عالم اتفاق نظر دارند که طریق اول برای اصلاح و تربیت جامعه کار ساز و مؤثر نیست. بر همین اساس، پیامبران و مصلحان بزرگ جوامع، همواره برای هدایت و اصلاح جامعه طریق دوم را برگزیده و به آن توصیه کرده‌اند. لذا با توجه به اینکه مسأله «خشونت» و «تساهل و مدارا» از مسایل مهمی هستند که اخیراً صاحب نظران و نظریه پردازان، بحثهای داغ و عمیقی داشته‌اند، ما هم در این مقاله قصد داریم تا در پرتو اصول اساسی قرآن و سیره عملی پیامبر بزرگ اسلام - صلی الله علیه و سلم - این مسأله را مورد بررسی قرار داده نظر واقعی اسلام را در این خصوص برای خوانندگان، بیان نماییم تا از گرفتار شدن در افراط و تفریط فکری و عملی‌رهای یافته و از جانبی دیگر، نسبت به کفایت احکام و مسایل اسلام، دچار دغدغه خاطر نشوند.

### تعریف خشونت:

خشونت در لغت به معنای «درشتی»، «زبری»، «ناهماوری» و «تندخویی» است.

و در اصطلاح، عبارت است از: «توسل به قوه قهریه، اخلاق تند و بر خورد غیر معمول، به منظور برقراری نظم و انضباط مورد نظر در جامعه و کاستن از تخلفات و قانون شکنیها از این طریق». این تعریف نسبتاً خوشبینانه‌ای برای خشونت است. تعریف دیگری که شاید به واقعیت نزدیکتر باشد: خشونت یعنی، «اعمال نیروی قهری و فشار بر جامعه به منظور اجرای خواسته‌ها و امیال

خشونت طلبان و نهایتاً رسیدن به اهداف مورد نظر.»

ای پیامبر با کفار و منافقان بجنگید و با آنان با غلظت و خشونت رفتار کنید.

## واژه‌های معادل خشونت:

در فرهنگ اسلامی این واژه‌ها برای خشونت به کار رفته است: «فظ»، «غلیظ القلب»، «سیتی الاخلاق»، «غسلت»، «عسف»، «شدة»، «قساوت» و... که مفهوم تمامی آنها یکی است. یعنی، درشتخویی، سخت دلی و برخورد خشن.

واژه «غلظت و غلیظ» به معنای خشونت و درشتی است. این هم مربوط به دوران جنگ و در جبهه‌های جهاد است. حتی با منافقانی که در حال جنگ با مسلمانان نیستند، رفتار و برخورد خشونت‌آمیز جایز نیست چنانکه بعداً در این باره بحث خواهیم کرد.

## تساهل، و مدارا، واژه‌های مقابل خشونت

در مقابل خشونت، «مدارا» و «تساهل» قرار دارند که می‌توانیم آنها را اینگونه تعریف کنیم: «انتخاب روشهای ملایم و مناسب با اخلاق اسلامی و برخورد سهل و آسان توأم با قاطعیت و صلابت با متخلفان و قانون شکنان جامعه به منظور اصلاح خود متخلفان و مصونیت جامعه از آثار سوء نبودن نظم و قانون.»

۳- انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الأرض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الأرض ذلك لهم خزی فی الدنیا و لهم فی الآخرة عذاب عظیم. [مانده: ۲۳]

در این آیه شدیدترین برخورد خشونت‌آمیز نسبت به کسانی بیان شده که بر علیه حکومت اسلامی قیام کنند، راهزنی کنند، کشتار و فساد به راه اندازند و در جنگ و خونریزی وارد شوند. آن گاه به عنوان «محارب با خدا و رسول» و «مفسد فی الأرض» اعدام شوند و یا دستها و پاهایشان بریده شود و یا تبعید شوند و این هم مشروط به شرایط خاصی است که طبق قوانین اسلامی محاکمه و مجازات می‌شوند.

## واژه‌های معادل مدارا و تساهل:

در فرهنگ اسلامی واژه‌های زیادی برای این منظور بکار رفته است که تعدادی از آنها عبارتند از: ۱- رحمت ۲- هیین ۳- لیین ۴- سهل ۵- قریب ۶- خفض جناح ۷- عفو ۸- صفح ۹- استغفار ۱۰- تألیف قلوب، ۱۱- رفق  
تمام این واژه‌ها در قرآن کریم و یا در احادیث نبوی مذکوراند چنانکه بعد بیان خواهند شد.

آنچه از این آیات مستفاد شد این است که خشونت و برخوردهای قهراًآمیز با کفار و منافقان در جبهه‌های جنگ و یا با آن دسته از مسلمانان که بر علیه حکومت و جامعه اسلامی بشورند، راهزنی و آدم‌کشی کنند و اموال مردم را غارت نمایند، مشروع است. پس حدود اعمال خشونت کاملاً محدود و مشخص و به عنوان آخرین چاره و راهکار بیان شده است.

## خشونت در قرآن

برای بررسی جایگاه خشونت در اسلام، نخست باید به قرآن کریم که قانون اساسی حکومت اسلام است مراجعه کنیم و بنگریم که آیا در اسلام، خشونت مشروعیت دارد یا خیر؟ با چه کسانی یا خشونت رفتار شود؟ بیانات قرآن در این باره روشن و صریح‌اند به آیات ذیل توجه شود:

**آیات تساهل و برخوردهای مسالمت‌آمیز**  
برعکس خشونت که آیات معدودی در قرآن برای مشروعیت آن در موارد خاص و محدود وارد شده، برای تساهل و برخوردهای مسالمت‌آمیز آیات زیادی وجود دارد و پیامبر اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - با شدت به عدم تشدد و عدم استفاده از ابزار و وسایل خشونت‌آمیز توصیه شده است. چنان که معروف‌ترین آیه تساهل، آیه ۱۵۹ سوره آل عمران است:

۱- یا ایها الذین آمنوا قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظة و اعلموا ان الله مع المتقین. [توبه: ۱۲۳]

در این آیه خداوند به مؤمنان دستور داده که با کفار بجنگید و در مقابل آنان خشن باشید. یعنی خشونت فقط در مقابل کفار است آن هم در جبهه‌های جنگ نه با هر کافر و در هر محل.

۱- فیما رحمة من الله لنت لهم و لو کنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک قاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر... [آل عمران: ۱۵۹]

۲- یا ایها النبی جاهدوا الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم. [تحریم: ۶]

در این آیه خداوند خطاب به پیامبرش می‌فرماید: رحم و شفقتی

مطالعه داستان موسی و فرعون در قرآن و چگونگی مذاکره و گفتگوی آنان به خوبی نشان می‌دهد که حضرت موسی در مقابل ریک‌ترین و موهن‌ترین کلمات فرعون، زیباترین، متین‌ترین و منطقی‌ترین پاسخها را می‌داد.

۶- و لا تستوی الحسنه و لا السيئة ادفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک و بینہ عداوة کانه ولی حمیم. [فصلت: ۳۴]

بدی و نیکی (خشونت و نرمی) برابر نیستند (ای پیامبر) به نیکوترین وجه (با مخالف خویش) برخورد کن. زیرا در این صورت سرسخت‌ترین دشمن تو به صمیمی‌ترین دوست تبدیل خواهد شد.

۷- قل ان ضللت فانما اضل علی نفسی و ان اهتدیت فیما یوحی الی ربهی انه سمیع قریب [سبأ: ۵۰]

ای پیامبر: (در مقابل سرسخت‌ترین برخوردهای مشرکان و گفتار موهن آنان) بگو اگر من گمراه شده‌ام، پس گناه آن برگردن خودم هست و اگر هدایت شده‌ام؛ پس به سبب وحی الهی است. همانا خداوند شنوا و نزدیک است.

۸- و لا تسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدواً بغير علم. [انعام: ۱۰۸]

و شما حق ندارید معبودان باطل و بتها را سب کنید (زیرا در این صورت) پس آنان الله را ندانسته سب می‌کنند.

در این آیه خداوند به مسلمانان اجازه نمی‌دهد به بتها و معبودان مشرکان اهانت کنند زیرا این عمل یک برخورد خشونت‌آمیز و دور از عقل و منطق است. علت این امر را خداوند در همین آیه بیان کرده است و آن اینکه این برخورد موهن و خشن شما زمینه ساز برخورد موهن و خشن آنان با شما خواهد شد و این امر شما را در نیل به اهداف والا و مقدس، موفق نمی‌کند.

۹- والکاظمین الغیظ و العاقین عن الناس والله یحب المحسنین و قرو برندگان خشم و عفو کنندگان از مردم (جزو نیکوکارانند) و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

۱۰- و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین

و ما تو را ای پیامبر برای جهانیان مایه رحمت فرستاده‌ایم.

### احادیث تساهل و عدم خشونت

۱- افضل الاعمال بعد الایمان بالله التردد الی الناس. [مکارم الاخلاق / ۳۶۴]

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: بهترین عمل پس از

که در وجود تو نهفته است و قوم و قبیله‌ات از آن برخوردار هستند، عامل آن، رحمت و عطفی است که از جانب خداوند در قلب تو قرار داده شده و اگر تو درشت‌خوی و سخت‌دل بودی، آنان از اطراف تو پراکنده می‌شدند بنابراین، همواره از خطاها و تخلفات آنان صرف نظر کن و برای آنان از بارگاه خداوند طلب مغفرت کن و در اموری که وحیی نازل نشده است با آنان مشورت کن.

۲- و اخفض جناحک للؤمنین [حجر: ۸۸]

بازوی عطف و شفقت را برای مؤمنان فرود آور.

یعنی همیشه برای مؤمنان مهربان باش گرچه در جمع آنان، افراد خاطی و قانون‌شکنی وجود داشته باشد. باید طوری با آنان برخورد شود که خاطیان جذب و اصلاح شوند نه اینکه دفع شوند و به خطای بیشتر روی آورند.

۳- خذ العفو و أمر بالعرف و اعرض عن الجاهلین

همواره عفو و گذشت را پیشه کن و به نیکی فرمان بده و از جاهلان روی برگردان

۴- محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بیهم... [فتح: ۲۹]

محمد رسول خداست و یاران او بر کفار سخت و خشن و با یکدیگر مهربان و با شفقت‌اند.

این آیه با صراحت تمام، اعلام نموده است: وصف بارز مؤمنان این است که فقط در مقابل کفار از خود خشونت نشان می‌دهند و در میان یکدیگر بسیار مهربان و شفیق‌اند و برخوردهای قهرآمیز و خشن را بین خود روا نمی‌دارند.

۵- اذهب الی فرعون انه طغی فقولا له قولاً لینا لعله یتذکر او یخشی [طه: ۴۴]

(ای موسی و هارون) نزد فرعون بروید چون او سرکشی کرده است. پس شما هر دو با خوبی و ملایمت با وی سخن گوید، شاید به خود آید و یا از خدا بترسد (و اعمال نادرست خود را رها کند).

در این آیه خداوند متعال خطاب به موسی و هارون علیهما السلام می‌فرماید: با بزرگترین طاغوت زمان که فرعون باشد با خشونت و درشتی رفتار نکنید بلکه به آنان توصیه می‌کند و می‌گوید همواره باید روش شما گفتار «لین» یعنی سخن نرم و خالی از خشونت باشد که فرعون بوی دلسوزی و عطف را از آن استشمام کند نه بوی کینه و عداوت.

ایمان به خدا، مهر ورزیدن با مردم است. یعنی دوستی و صفا با مردم بهترین عمل بنده مؤمن است.

۲- مداراة الناس صدقة [مکارم الاخلاق / ۳۶۵]

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: مدارا و برخورد نیک با مردم، صدقه به حساب می آید.

۳- ان الله تعالى رقيق يحب الرفق و يعطي على الرفق ما لا يعطي على العنف و ما لا يعطي على ما سواه. [معارف الحديث ۴۵۲/۲ به نقل از صحیح مسلم]

یعنی؛ خداوند مهربان است. (نرمی و مهربانی از صفات ذاتی اوست) و نرمی و مهربانی را دوست دارد و بر نرمی و مهربانی اتقادر (عطا و پاداش) می دهد که بر درشتی و خشونت نمی دهد.

۴- الا اخبركم على من تحرم النار؟ على كل هين، لئین، سهل، قريب. [مسند احمد ۴۱۵/۱]

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: آیا شما را از شخصی خبر ندهم که آتش دوزخ بر او حرام است. آتش دوزخ بر هر شخصی که درشت خو نباشد و دارای خلق و خوی نرم و مهربان باشد، حرام است.

۵- قال رسول الله - صلی الله علیه وسلم - : لا یدخل الجنة الجواز و لا الجعظری. [معارف الحديث / ۴۵۶ به نقل از ابوداود]

رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: آدم سختگو و خشن به بهشت وارد نمی شود.

۶- عن ابی بکر الصدیق - رضی الله عنه قال قال رسول الله - صلی الله علیه وسلم - : قال الله عزوجل: ان کتتم تریدون رحمتی فارحموا خلقی. [مکارم الاخلاق / ۳۲۶]

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - (در یک حدیث قدسی) فرمودند: خداوند متعال فرموده است: اگر شما خواهان رحم و کرم من هستید پس بر مخلوقات من رحم داشته باشید.

۷- عن ابی هريرة - رضی الله عنه قال: سمعت ابا القاسم الصادق المصدق - صلی الله علیه وسلم - یقول: لا تنزع الرحمة الا من شقی. [معارف الحديث / ۴۱۴ به نقل از مسند احمد و ترمذی]

از ابوهریره - رضی الله عنه روایت است که می گوید: از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - شنیدم که فرمودند: قلب آدم بدبخت و شقی از رأفت و رحم خالی است.

این چند حدیث به عنوان نمونه ذکر شد و گرنه احادیث زیادی در

کتب حدیث درباره این موضوع آمده است.

**عدم خشونت در سیره عملی پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم -**

بررسی زندگانی و سیره رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - چه پیش از هجرت و چه بعد از هجرت و در دوران تشکیل حکومت اسلامی، به خوبی و بطور کامل این امر را روشن می کند که آن حضرت - صلی الله علیه وسلم - هیچ گاه چه با مسلمانان و چه با منافقان و چه با دشمنان از قبیل یهود، نصارا و مشرکان (در خارج از جبهه های جنگ) هیچگونه برخورد خشنی نداشتند و به مسلمانان نیز اجازه چنین برخوردی را نمی دادند. در ذیل به عنوان نمونه چند داستان از مدارا و تساهل پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - بیان می شوند تا الگوی خوبی فراراه جامعه اسلامی باشد:

۱- صفوان بن امیه از سران کفر و از دشمنان سر سخت اسلام بود. او توطئه قتل پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - را طرح ریزی کرده بود و برای این منظور عمیر بن وهب را مأموریت داده، نوید پادشاهای کلانی به وی داده بود. در زمان فتح مکه، صفوان از ترس، مکه را ترک کرد و عازم ساحل دریا شد. عمیر (که قبلاً مسلمان شده بود) به محضر آن حضرت حاضر شد و عرض کرد: ای رسول خدا! صفوان سردار قبیله خویش است. از ترس فرار کرده و قصد دارد خودش را به دریا بیفکند. آن حضرت فرمودند: «او در امان است. او را بیاورید.» عمیر گفت: امان او اعتماد بیشتری می طلبد. تضمینی باشد تا به گفتم اعتماد کند. آن حضرت عمامه مبارک خویش را بطور نشانه تأمین به عمیر داد تا نزد صفوان ببرد و به او اطمینان بدهد. چنان که عمیر نزد صفوان رفت و عمامه آن حضرت را به او نشان داد و نوید امان را اعلام داشت. سرانجام، صفوان به بارگاه نبوت حضور یافت و عرض کرد: عمیر می گوید: شما به من امان داده اید؟ ایشان فرمودند: عمیر راست می گوید. صفوان گفت: پس به من دو ماه مهلت دهید.

آن حضرت فرمودند: چهار ماه مهلت دارید. چنان که بعداً با طیب خاطر اسلام را پذیرفت. (۱)

۲- عبدالله بن ابی رئیس منافقان مدینه بود. دشمنی و کینه

مالیده شد و شهر مکه که مرکز سیصد و شصت بت و معبود باطل بود، به تصرف کامل اسلام درآمد، و بهترین فرصت طلایی برای گرفتن انتقام از دشمنان خون آشام مکه میسر شده بود؛ دشمنانی که نزدیک به بیست سال انواع ظلم و شکنجه را بر مسلمانان روا داشته بودند و فاتحین می‌بایست هر چه سریع‌تر دادگاه صحرایی تشکیل می‌دادند و اعدامهای انقلابی صورت می‌گرفت و هر ملت و هر قانونی هم بر این اقدام مهر تأیید می‌زد؛ ولی رسول گرامی اسلام - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - برای اینکه درس عدم خشونت به آیندگان بدهند و از خود الگویی از رأفت، عطوفت، عفو و گذشت اسلامی را بر جای بگذارند، عفو عمومی اعلام نموده فرمودند:

لا تشریب علیکم الیوم اذهبوا فانتم الطلقاء.

هیچ سرزنی امروز بر شما نیست همه شما آزاد و مورد عفو قرار گرفتید.

## عدم خشونت با یهود و نصارا

پیامبر اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - پس از تشکیل حکومت اسلامی نه فقط با مشرکان و کفار، منافقان و مسلمانان خاطی بلکه با یهود و نصارا نیز که دشمنان قسم خورده اسلام و مسلمین بودند، خشونت را روا نمی‌داشتند و با آنان با مدارا و تساهل رفتار می‌کردند.

عمر یک روز چند نفر از یهودیان به محضر رسول اکرم آمدند و به جای «السلام علیکم» شعار «السلام علیکم» (مرگ بر تو باد) را سر دادند. حضرت عایشه سخت خشمگین شد و به این اسائه ادب آنان پاسخ گفت. ولی رسول اکرم او را منع کرد و فرمود: ای عایشه! درشتی و خشونت را پیشه نکن. بلکه نرمی و عطوفت داشته باش زیرا خداوند در هر امری نرم خوئی و عطوفت را دوست دارد. (۴)

با توجه به اینکه یهود برای گرفتن وامهای خویش عواطف اخلاقی را رعایت نمی‌کردند و بر خوردهای خشن و بی‌ادبانه‌ای با آن حضرت - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - داشتند، با وجود این، آن حضرت، اغلب از آنان وام می‌گرفت و با آنان داد و ستد داشت.

توزی او با مسلمانان و رسول خدا - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - نیاز به توضیح ندارد. بحران افک را او به وجود آورده و به عزیزترین همسر رسول خدا، ام المؤمنین عایشه صدیقه تهمت زده بود. همواره با یهود و مشرکان به طور پنهانی بر علیه مسلمانان توطئه و دسیسه می‌کرد. خبث باطن و شیطنت او برای رسول اکرم هویدا و آشکار بود. با وجود تمام این موارد، رحمت عالمیان - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - همواره او را گرامی می‌داشت و زمانی که مُرد، آن حضرت پیراهن مبارک خویش را به عنوان کفن بر او پوشاند و به طرز با شکوهی مراسم تشییع جنازه و خاک سپاری او را برگزار نمود. (۱)

۳- یک بار رسول خدا - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - از «زید بن سعنه» یهودی وام گرفته بود. هنوز چند روز از موعد باز پرداخت وام باقی بود که او نزد پیامبر اکرم آمد ردای مبارکش را محکم کشید و با لحن اهانت آمیزی گفت: شما خاندان عبدالمطلب همیشه اینگونه حيله بازی می‌کنید. حضرت عمر که در آنجا بود، سخت خشمگین شد و اظهار داشت: ای دشمن خدا! تو نسبت به پیامبر اکرم اسائه ادب می‌کنی؟ پیامبر خدا - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - تبسم نمودند و فرمودند: عمر! ما از تو این انتظار را داشتیم که او را با ملایمت تفهیم می‌کردی تا وام خود را به خوبی بگیری و به ما می‌گفتی که وام او را به خوبی ادا کنیم. آنگاه خطاب به حضرت عمر فرمودند: وام او را پرداخت کنید و بیست صاع خرما (حدود هشتاد کیلو) اضافه بر وامش به او بدهید. (۲)

۴- هبار بن اسود از سه چهار نفری بود که بر اثر جنایات بی شمار حکم اعدام غائبانه از سوی پیامبر خدا در روز فتح مکه برای آنان صادر شده بود. او فراری و متواری بود. یکی از جنایاتش این بود که حضرت زینب دختر گرامی رسول خدا - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - را هنگام هجرت از بالای شتر انداخته بود که بر اثر آن، حضرت زینب سقط جنین کرده بود. او قصد پناهندگی به ایران را داشت ولی سرانجام، به یاد کرم و بردباری رحمت عالمیان - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - افتاد و به محضر ایشان حضور یافت و عرض کرد: ای رسول خدا! من قصد فرار به ایران را داشتم اما به یاد رأفت و کرم شما افتادم. آنچه درباره من به شما رسیده است، صحیح است. من به نادانی و تقصیرات خویش اعتراف می‌کنم و حالا می‌خواهم به اسلام مشرف شوم. چنان که آن حضرت وی را عفو نمود. (۳)

۵- در روز فتح مکه وقتی پوزه سران کفر و شرک به خاک

۱- سیره النبی، علامه شبلی نعمانی ۲/۲۱۹

۲- سیره النبی ۲/۲۱۵ به نقل از الاصابة فی معرفة الصحابة

۳- سیره النبی ۲/۲۱۵ به نقل از الاصابة فی معرفة الصحابة

۴- صحیح مسلم ۲/۲۳۹ کتاب الادب

۷- هیأت نمایندگی یهود نجران به محضر پیامبر اکرم شرفیاب شد. آن حضرت - صلی الله علیه وسلم - آنان را در مسجد نبوی اسکان داد و به آنان اجازه داد تا در مدت اقامت در مدینه، آداب و مراسم مذهبی خویش را در مسجد نبوی بجا آورند. مسلمانان خواستند آنان را از این کار باز دارند ولی آن حضرت، مسلمانان را از ایجاد مزاحمت منع کردند. (۱)

### عدم خشونت با طراحان قتل آن حضرت

در دوران هجرت، مشرکان به «سراقه بن جعشم» نوید یکصد شتر را داده بودند که پیامبر را به قتل برساند. وقتی سراقه، پیامبر و ابوبکر را تعقیب می‌کند و خود را به آنان می‌رساند و سرانجام در حالی که مرعوب می‌شود و لرزه بر اندامش می‌افتد، تقاضای امان می‌کند. رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - برایش امان نامه‌ای می‌نویسد و او را رها می‌کند.

۸- پس از جنگ بدر، آتش کینه و انتقام، سخت در دل‌های کفار شعله ور شده بود. صفوان بن امیه (که داستانش ذکر شد) عمیر بن وهب را برای قتل رسول خدا مأموریت داد و به او نوید دریافت جایزه‌های کلان در صورت موفقیت داد. عمیر شمشیر خود را زهرآگین کرد و مخفیانه خود را به مدینه رساند. در مدینه دستگیر و به محضر رسول خدا آورده شد. حضرت عمر - رضی الله عنه - خواست تا با او برخورد تندی بکند ولی پیامبر اکرم مانع شد و طرح توطئه او و صفوان را برایش بیان کرد. عمیر شگفت زده شد که پیامبر چگونه از این موضوع اطلاع یافته است. آنگاه بدون اینکه محاکمه شود و به سزای اعمالش برسد، مورد عفو قرار گرفت و سپس مشرف به اسلام شد. (۲)

۹- در صلح حدیبیه یک دسته هشتاد نفری از مشرکان مکه، از جانب «کوه تنعیم» پنهانی حرکت کردند و تصمیم گرفته بودند تا رسول خدا را به قتل برسانند. از حسن اتفاق همه آنان دستگیر شدند. پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - با آنان به خوبی رفتار کردند و مورد تعرض قرار ندادند و همه را رها کردند. (۳)

۱۰- یک بار رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - از غزه‌ای بر می‌گشتند. در میان راه بر اثر شدت گرما در جایی که درخت فراوان وجود داشت، رحل افکندند. هر کدام از مجاهدین به سوی سایه درختی برای استراحت رفتند. آن حضرت نیز در زیر سایه درختی مشغول به استراحت شدند و شمشیر خویش را به درخت آویختند. شخصی از کفار که در انتظار چنین فرصتی بود،

بر بالین آن حضرت آمد شمشیر را از نیام بیرون کشید آن حضرت ناگهان از خواب بیدار شدند و دیدند که شمشیر به دست آن مشرک است و آماده حمله می‌باشد. آن شخص گفت: چه کسی تو را از دست من نجات می‌دهد؟ ایشان فرمودند: الله. او از ترس و هراس شمشیر را در نیام کرد. در همین لحظه صحابه حضور یافتند و آن حضرت جریان را برای آنان بیان داشتند و آن مرد کافر را مورد عفو قرار دادند. (۴)

### دفع شبهه در مورد قتل کعب بن اشرف

نظریه پردازان خشونت در مستندات خویش نسبت به مشروعیت برخورد خشونت‌آمیز و قتل و ترور، از کشتن کعب بن اشرف یهودی استدلال می‌کنند. ولی این استدلال صحیح نیست زیرا کعب بن اشرف یکی از متنفذان و ثروتمندان یهود بود که همواره علیه اسلام و شخص رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - توطئه می‌کرد.

پس از جنگ بدر و کشته شدن سران کفر و شرک، کعب مرثیه‌های پر سوز و گدازی برای آنان سرانید. به مکه رفت با سران مشرکان ملاقات کرد و آنها را برای گرفتن انتقام کشته شدگان بدر تحریک نمود. بر این هم بسنده نکرد بلکه ترور پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - را طرح ریزی کرد. چنانکه علامه یعقوبی در تاریخ خود تحت عنوان بنونضیر می‌نویسد: کعب الاشرف اليهودی الذی أراد أن یمکر رسول الله - صلی الله علیه وسلم - (کعب بن اشرف یهودی کسی است که برای ترور پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - برنامه ریزی کرده بود).

همچنین در فتح الباری ۲۵۹/۷ مذکور است: کعب پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - را به یک میهمانی دعوت نمود و افرادی را به طور پنهانی تعیین کرد تا وقتی آن حضرت - صلی الله علیه وسلم - به آنجا وارد شوند، بر ایشان حمله کنند و ایشان را به قتل رسانند.

در ابوداود / ۲ باب کیف کان اخراج اليهود مذکور است: و کان کعب بن الاشرف یهجو النبی - صلی الله علیه وسلم - یعرض علیه کفار قریش. (کعب بن اشرف در اشعار خود پیامبر اکرم -

۱- سیره النبی ۲/۲۲۰ به نقل از زادالمعاد

۲- سیره النبی ۲/۲۲۳

۳- جامع ترمذی تفسیر سوره فتح

۴- صحیح بخاری، کتاب الجهاد / ۲۰۸

صلی الله علیه وسلم - به محمد بن مسلمه اجازه دادند تا اگر موفق شود این دشمن سرسخت خدا و رسول را از پای در آورد و او هم در مأموریت خویش موفق شد و کعب را به قتل رساند. باید توجه داشت که در دوران حاکمیت ده ساله اسلام در مدینه منوره، تنها یکی دو برخورد آن هم در حالی که هیچ چاره‌ای از آن نبود، به هیچ وجه دلیلی بر مشروعیت خشونت، قتل و ترور نمی‌شود که نظریه پردازان خشونت بخواهند از آن، استدلال کنند.

## اشتباه بزرگ نظریه پردازان خشونت

یکی دیگر از اشتباهات بزرگ نظریه پردازان خشونت خلط بحث است یعنی آنان «صلابت»، «قاطعیت» و «مقاومت» پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - را در اجرای قوانین و حدود الهی با «خشونت» اشتباه گرفته‌اند.

«صلابت» یعنی قاطعیت در اجرای قانون و حدود الهی بدون لحاظ موقعیت افراد جامعه. به عبارتی دیگر صلابت یعنی، قاطعیت در قانونمند کردن جامعه و جلوگیری از سوء استفاده هرج و مرج طلبان «صلابت» امری است مستحسن ولی خشونت مذموم است. رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - با صلابت و استقامت تمام، قوانین و حدود الهی را اجرا می‌کردند و با کسی تعارف هم نداشتند: چنان که یک بار زنی از قبیله بنی مخزوم مرتکب سرقت شد. بزرگان آن قبیله به اسامه بن زید متوسل شدند تا پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - را از قطع دست آن زن منصرف کند زیرا این طعن بزرگی برای آن قبیله به شمار می‌رفت چنان که اسامه نزد پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - آمد و در این باره سفارش کرد. آن حضرت فرمودند: «ای اسامه! آیا درباره عدم اجرای حدی از حدود الهی نزد من سفارش می‌کنی. سوگند به خدا! اگر فاطمه دختر محمد نیز سرقت کند دست او را قطع خواهم کرد.»

این بود عدالت اجتماعی و احترام به قانون که در مقابل قانون تمام افراد جامعه برابرند حتی شخص پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - با وجود معصومیت از گناه و خطا، از جانب خداوند متعال موظف می‌شوند تا در چهارچوب قانون شریعت عمل نمایند و در صورت تخلف از قوانین الهی مورد مؤاخذه قرار خواهند گرفت. چنانکه خداوند می‌فرماید: لان اشرکت لیحبطن عملک و لتکونن من الخاسرین. یعنی ای پیامبر! اگر تو هم خلاف قانون عمل کردی و مرتکب شرک شدی اعمال تو

صلی الله علیه وسلم - را مذمت و نکوهش می‌کرد و کفار قریش را علیه آن حضرت تحریک می‌نمود.

در تفسیر ابن جریر طبری ۷۹/۵ مذکور است: إن کعب بن الاشرف إنطلق إلى المشرکین من کفار قریش فاستجاشهم علی النبی - صلی الله علیه وسلم - و أمرهم أن یغزوه. (کعب بن اشرف نزد مشرکان قریش رفت و آنان را به جنگ با پیامبر تحریک کرد.)

مسأله قتل کعب بن اشرف به قدری برای رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - مهم بود که وقتی به محمد بن مسلمه و یارانش این مأموریت محول شد، پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - تا محل «بقیع غرقه» که بیرون از مدینه قرار داشت آنان را بدرقه نمودند و هنگام خداحافظی خطاب به آنان چنین فرمودند: «انطلقوا علی اسم الله، اللهم اعنهم» (صحیح سیره النبویه، ابراهیم العلی، ص ۲۷۲ به نقل از الطیرانی ۲۲۱/۱۱ حدیث شماره ۱۱۵۵۴ و المطالب العالیة ۴۳۱۲)

(با نام و یاد خدا بروید پروردگارا! آنان را در این مأموریت یاری فرما)

تصمیم به قتل او پس از نزول وحی بر پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - گرفته شد چنانکه در تفسیر معارف القرآن جلد ۸ صفحه ۳۵۹ مذکور است: «پس از جنگ بدر، کعب بن اشرف با چهل نفر از یهودیان به مکه رفت و همراه با چهل نفر از مشرکان وارد حرم خانه کعبه شد و در آنجا یهود و مشرکان به طور مشترک، غلاف خانه کعبه را گرفته پیمان بستند که علیه مسلمانان وارد جنگ شوند. کعب بن اشرف پس از بستن این پیمان به مدینه بازگشت جبرئیل امین نزد پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - آمد و از شیطنت و توطئه کعب و پیمانی که بسته بود، ایشان را اطلاع داد آنگاه رسول اکرم فرمان قتل کعب را صادر نمود.»

به هر حال، از بررسی کتب سیره و غیره معلوم می‌شود که کعب بن اشرف یک توطئه گر دسیسه باز و شاعری معروف بود که از توطئه بر علیه اسلام و شخص پیامبر خودداری نمی‌کرد. شعر در جامعه عرب همان نقش را داشت که امروز مطبوعات و رسانه‌های خبری در تحریک و آماده سازی افکار عمومی دارند. او در اشعار خود از هر گونه هجو و بیان نکوهش پیامبر و مسلمانان استفاده می‌کرد. لذا با توجه به اینکه کعب یک کافر محارب و توطئه گر بود و روز به روز خطرات بیشتری از جانب او حکومت اسلامی را تهدید می‌کرد بناچار، پیامبر اکرم -

نابود می شود و از زیانکاران خواهی بود.

نسبت به احکام اسلام و حکومت اسلامی بدبین می کنند. هـ «صلابت» با «خشونت» فرق دارد. صلابت در اسلام ستوده شده و امری پسندیده است ولی خشونت امری است ناپسند. در پایان، امیدواریم حکومت‌های اسلامی و تمام طبقات جامعه سیره عملی رسول گرامی اسلام - صلی الله علیه وسلم - را الگو و سرمشق خویش در زندگی قرار داده و از اعمال هر نوع خشونت بپرهیزند تا ما چیزی در جامعه به نام خشونت نداشته باشیم، بلکه جامعه ما جامعه سبزی باشد که با گلهای عذوفت، بردباری، دلسوزی، و صفا و صمیمیت هر روز شکوفاتر شده و دیو خشونت برای همیشه رخت بر بسته، فرشته رحمت جایگزین آن شود.

به امید چنین روزی

حسبنا الله و نعم الوکیل

### نتیجه بحث

- ۱- در فرهنگ اسلام، خشونت، جبر و اکراه هیچ مشروعیتی ندارد.
- ۲- زندگی تشریحی رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - چه در مکه و چه در مدینه بعد از تشکیل حکومت اسلامی آئینه تمام نمای مدارا، تساهل، مروّت و رأفت اسلامی است و آن حضرت - صلی الله علیه وسلم - با سرسخت ترین دشمنان خویش در خارج از جبهه جنگ خشونت را روانمی داشتند.
- ۳- قرآن کریم و سیره قولی و عملی رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - مسلمانان را همواره به اختیار خلق و خوی نیکو، مدارا، تساهل و همزیستی مسالمت آمیز توصیه می کنند.
- ۴- اعمال خشونت آمیز هیچ اثر و جاذبه ای ندارند بلکه بالعکس دافعه قوی ای دارند که نه تنها غیر مسلمانان را بلکه مسلمانان را

